

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال هشتم * شماره ۱۶ * پاییز و زمستان ۱۴۰۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶ * تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵ * صفحات: ۹۷-۱۱۷

بررسی و نقد دیدگاه سلفیه جهادی، در مسئله جعل و انشای قوانین وضعی

عبدالمحمد شریفیات*

محمد معینی فر**

چکیده

یکی از مسائل اساسی سلفیان جهادی مانند سید امام شریف (دکتر فضل)، مقدسی و ابومصعب سوری، مسئله «حکم بغیر ما انزل الله» است. از نظر سلفیان جهادی، این مسئله فقط یک مسئله فرعی نیست؛ بلکه به اصل ایمان برمی‌گردد؛ لذا مرتکبین آن دچار ناقضی از نواقض ایمان شده و عنوان مرتد بر آنان اطلاق می‌گردد.

در نظر سلفیان جهادی، یکی از معیارهای تکفیر در مسئله «حکم بغیر ما انزل الله»، جعل و انشای قوانین وضعی است. آنان برای مدعای خود، به آیاتی استناد نموده‌اند. مهم‌ترین آیات مورد استناد سلفیان جهادی عبارت‌اند از: آیه ۳۱ سوره شوری، آیه ۲۶ سوره کهف، آیه ۱۳۷ سوره انعام، آیه ۱۰۳ سوره مائده، آیه ۳۱ و ۳۷ سوره توبه، آیه ۶۴ سوره آل عمران و آیه ۴۰ سوره یوسف.

بعد از بررسی آیات مذکور، روشن می‌گردد، برداشت سلفیان جهادی از آیات نادرست است و دلایل مورد ادعای آنان، به نحو اطلاق، قابل انطباق بر حکام و مردم مسلمان کنونی نیست و در بسیاری از موارد، "سالبه به انتفاء موضوع" است؛ زیرا قوانین وضع شده از سوی حکام و یا مجالس و پارلمان‌ها، عموماً برای تنظیم امور مسلمانان و با اصول کلی اسلام منافات ندارد و حکام و یا کسانی که چنین قوانینی را وضع می‌کنند، عموماً از باب استحلال حکم الهی و یا از روی عناد و یا جحود نیست. نهایت چیزی که درباره برخی از آنان می‌توان گفت، این است که به سبب عدم التزام کافی به اجرای احکام الهی، مسلمان فاسق هستند؛ در واقع اگر کسی

* دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب.

** استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

حکم الهی را از روی عناد و استحلال ترک نماید و یا حکم از روی عناد و استحلال قانونی را جعل نماید، چنین شخصی بدون تردید کافر و از دایره اسلام خارج خواهد بود. در این مقاله سعی گردیده، با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی و نقد دلایل سلفیان جهادی در مسئله جعل و انشای قوانین وضعی پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: سلفیه جهادی، حکم بغیر ما انزل الله، جعل قوانین وضعی، انشای قوانین عرفی.

مقدمه

امروزه مسئله حکم بغیر ما انزل الله، یکی از مسائل اساسی و چالش برانگیز جهان اسلام است. پیشینه این مسئله، به سال ۱۹۶۸م، و بعد از تاسیس سازمان "الجهاد"، توسط گروهی که منهج جهادی داشتند برمی گردد. سید امام شریف، از نظریه پردازان سلفیه جهادی و از پیشگامان این تفکر محسوب می شود. وی در کتاب الجامع فی طلب العلم الشریف، به صورت تفصیلی به مسئله حکم بغیر ما انزل الله پرداخته است. ابو محمد مقدسی، دومین شخصیت کاریزمای سلفیه جهادی نیز، ضمن پذیرش این تفکر، بر کتاب الجامع فی طلب العلم الشریف تعلیقه ای تحت عنوان «النکت اللوامع فی ملحوظات الجامع» نگاشت. دیگر رهبران سلفیه جهادی نیز، متأثر از همین تفکر هستند؛ از نظر سلفیان جهادی، مسئله مذکور زیر مجموعه توحید، شرک، اسلام و کفر قرار می گیرد. آنان معتقدند که حاکمان، قضات و یا نمایندگان مجالسی که قوانین وضعی را جعل و انشاء می کنند،^۱ مصداق حاکمان بغیر ما انزل الله هستند و از آنجا که این مسئله را، از مصادیق شرک، کفر و ضمن نواقض اسلام می شمارند، بر این باورند که حکام کنونی، مرتکب ناقضی از نواقض اسلام شده و از دایره اسلام خارج هستند؛ بر همین اساس، عناوینی چون کفر و ارتداد را بر آنان اطلاق می کنند.

سلفیان برای اثبات ادعای خود مبنی بر کفر کسانی که قانون وضعی را جعل و انشاء می کنند، به آیات مختلفی از قرآن کریم از قبیل آیه ۳۱ سوره شوری، آیه ۲۶ سوره کهف، آیه ۱۳۷ سوره انعام، آیه ۱۰۳ سوره مائده، آیات ۳۱ و ۳۷ سوره توبه، آیه ۶۴ سوره آل عمران و آیه ۴۰ سوره یوسف، استناد می کنند. این در حالی است که آیات مذکور،

۱. سلفیان جهادی قوانینی که توسط مجالس و نهادها تصویب می شود را، قوانین بشری و غیر الهی می شمارند.

ادعای آنان را اثبات نمی‌کند؛ زیرا این آیات شامل کسانی می‌شود که قصد تشریح داشته باشند؛ نه مسلمانان کنونی که قصد تشریح نداشته، بلکه به جهت موافقت قانون وضعی (چراکه به اصلی از اصول شرع برمی‌گردد)، با شرع و یا حداقل عدم مخالفت آن با شرع، آن را می‌پذیرند.

نگرش سلفیان جهادی به مسئله حکم بغیر ما انزل الله، آثار و تبعاتی از قبیل کفر حاکم، کفر افراد موسسات اداری، کفر قضات محاکم قضایی، کفر نیروهای امنیتی، کفر مردم کشورهای اسلامی، خروج بر حاکم و وجوب جهاد ابتدایی را به ارمغان آورده است. داعش و القاعده از بزرگترین و مهمترین گروه‌های سلفیه جهادی با این عقیده در بسیاری از کشورهای اسلامی، مسلمانان را مشرک و کافر دانسته و فتوای جهاد علیه آنها صادر کرده و تعداد زیادی از مسلمانان بی‌گناه را از دم تیغ گذرانده‌اند.

در این تحقیق، نویسنده به دنبال نقد و بررسی دلایل مطرح شده از سوی سلفیان جهادی است که به جهت قرائت نادرست از دین، به تکفیر مسلمانان منجر شده است.

در این نوشتار، با توجه به نقلی بودن منهج سلفیان جهادی در فهم آموزه‌های دینی، نویسنده به دنبال حل مسئله با بهره‌گیری از روش نقلی و شیوه درون مذهبی خواهد بود؛ از آنجا که مسئله حکم بغیر ما انزل الله (البته با توجه به نوع برداشت سلفیان جهادی) از مسائل مستحدثه و نوپدید است، در بسیاری از تفاسیر اهل سنت به آن پرداخته نشده است؛ لذا در پاره‌ای از موارد، پاسخ‌های داده شده از سوی نویسنده است.

تشریح قوانین وضعی

یکی از مناط‌های کفرآمیز در نظر سلفیان جهادی، وضع قوانین در مجلس یا پارلمان است که از آن به تشریح یاد می‌کنند. سلفیان جهادی جعل قوانین وضعی توسط شخص^۱ یا گروه^۲ را شرک ربوبی شمرده و مرتکبین آن را مشرک و خارج از دایره اسلام می‌شمارند.^۳

۱. مانند پادشاه.

۲. مانند مجلس، پارلمان و یا هر نهاد دیگر.

۳. «فإن كل من تولى التشريع للناس من دون الله فقد جعل نفسه شريكاً لله في ربوبيته إذ شارك الرب في فعله الذي



قبل از تبیین دیدگاه سلفیان جهادی به صورت تفصیلی، در ابتدا به تعریف لغوی و اصطلاحی تشریح پرداخته می‌شود.

معنای لغوی تشریح

تشریح، مصدر و از ریشه «شرع» است. این واژه اشتقاقاً زیاد و استعمالاً متعددی دارد. استقلال در ایجاد روش، طریقه جدید و جعل سنت جدیدی که قبلاً وجود نداشته، از معانی لغوی هستند که با تشریح ارتباط مستقیمی دارند.

«سن فلان طریقاً من الخیر یسنه إذا ابتداً أمراً من البر لم یعرفه قومه قاستنوا به وسلکوه». عرب می‌گوید: فلان شخص طریق و روشی از خیر ایجاد کرد و آن هنگامی است که شخص، عمل جدیدی را که مردم آن را نشانند انشاء کند و مردم آن روش و طریق جدید را پذیرفته و بر اساس آن رفتار کنند.^۱

شرع: «جعل الشی شارعاً و شرعاً و شریعه»: عرب تشریح را در معنای قراردادن، شرع و شریعت نیز به کار می‌برد.^۲

آنچه از معنای لغوی تشریح می‌توان فهمید، تشریح به معنای انشاء است و از کلمه شرع به معنای سن واضح شد که در تشریح استقلال در انشاء نیز لحاظ شده است.

بنابراین تعریف لغوی تشریح، در بردارنده عناصری چون «استقلالیت»، «انشاء و ابتدائیت» و «استمرار و پیوستگی» است؛ گرچه گاهی نیز بدون استمرار و پیوستگی نیز صدق می‌کند.

معنای اصطلاحی تشریح

فقهاء در تعریف تشریح می‌گویند: تشریح یعنی نسبت دادن قول یا فعلی به شرع، بدون دلیل معتبر که غالباً تشریح به این معنا، با بدعت هم معنا است.^۳

اختص به نفسه، وبهذا وصفه الله بقوله تعالى ﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ﴾ و من جعل نفسه شريكاً لله في التشريع للخلق فقد جعل نفسه رباً لهم، ومن خوله هذا الحق أو أطاعه فيما يشعره من دون الله فقد اتخذهُ رباً... وبهذا تعلم أن أفراد الله تعالى بحق التشريع داخل في مصمم توحيد الربوبية وأن أي إخلال بذلك هو مناقضة لهذا التوحيد وكُفْر بالله تعالى؛ (شريف، سيد امام، الجامع في طلب العلم الشريف، ص ۸۱۵-۸۱۴).

۱. «ابومنصور، محمد بن أحمد، تهذيب اللغة، ج ۱۲، ص ۲۹۸؛ «جوهری، اسماعیل، الصحاح، ج ۳، ص ۱۲۳۶؛ «ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۷۵».

۲. «ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۷۵؛ «زبیدی، محمد، تاج العروس، ج ۱۱، ص ۲۳۸».

۳. «منتظری، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۸، ص ۴۰۲؛ «حنبلی، ابن رجب، جامع العلوم والحکم،

البته برخی از علمای سلفی مانند قرنی^۱ و أبو عبدالرحمن الأثری،^۲ در تعریف اصطلاحی تشریح، قیود بیشتری را لازم دانسته‌اند.

دیدگاه سلفیان جهادی در تشریح حکم

یکی از معیارهای سلفیان جهادی در تکفیر مسلمان، تشریح قوانین وضعی است.^۳ تشریح در نظر سلفیان به معنای وضع قوانین و احکام و قرارداد راهی برای تعبد و اطاعت است.^۴

مقدسی یکی از سلفیان جهادی برای تحقق تشریح، شروطی قائل است؛ این شروط عبارت‌اند از:

الف: قوانین از سوی کسی که سلطه داشته باشد، معین شود؛ مانند پادشاه، رئیس، امیر، دبیرکل، رئیس گروه.

ب: تشریح برای مردمی باشد که شأن آنها اجرا و انجام آن باشد؛ یعنی در مرتبه پایین‌تر از وضع‌کننده قانون باشند؛ مانند پلیس، کارمندان، قضات.

ج: الفاظ قانونی وضع شده، عام باشد؛ مانند: اگر سارق را گرفتید از او غرامت دریافت کنید؛ اما اگر قانون وضع شده با الفاظ خاص باشد، مثلاً بگویند: اگر محمد سرقت کرد ره‌ایش کنید، چنین قانونی ظلم است؛ اما تشریح عام شمرده نمی‌شود.^۵

سلفیان معتقدند در صورتی که سه شرط مذکور در عملی جمع شود، تشریح شمرده می‌شود و در تشریح، کتابت شرط نیست؛ بلکه اگر شفاهی باشد، یا عرف جاری یا عادت جاری باشد، کافی است.^۶

ص ۱۶۰؛ «عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۷، ص ۹»؛ «فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۱، ص ۲۲۸»؛ «نراقی، احمد بن محمد، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام، ص ۳۲۵».

۱. قرنی، محمد، التشریح الوضعی فی ضوء العقيدة الإسلامية، ص ۲۶.

۲. اثری، أبو عبدالرحمن، الرسائل الأثریه، ص ۴۰.

۳. سوری، أبو مصعب، الثورة الإسلامية الجهادية فی سوريا الجزء الثاني الفكر المنهج، ص ۴۷.

۴. مقدسی، أبو محمد، تحفة الموحدين فی بعض أصول الدین، ص ۷۴.

۵. «مقدسی، أبو محمد، تحفة الموحدين فی بعض أصول الدین، ص ۷۴»؛ «طرطوسی، أبو بصیر، مجموع فتاوی، ص ۴۸».

۶. «خضیر، علی بن خضیر، الوجاهة فی شرح الأصول الثلاثة، ص ۸۰»؛ «مقدسی، أبو محمد، تحفة الموحدين فی بعض أصول الدین، ص ۷۴»؛ «طرطوسی، أبو بصیر، مجموع فتاوی، ص ۴۸»؛ «شریف، سید امام، الجامع فی طلب العلم الشریف، ص ۸۵۶».

بنابراین در تعریف معنای اصطلاحی تشریح، علاوه بر عناصر مذکور در معنای لغوی، مؤلفه‌های دیگری در آن لازم و ضروری است و آن، «فقدان اذن شرعی» است.

نقد تعریف سلفیان

بدون تردید، تعریف مقدسی دارای اشکالاتی است و با تعریف علمای اسلام مطابقت ندارد؛ زیرا اولاً، تعریف وی از جهت مراد و مفهوم و شکل، مخالف تعریف مشهور فقهاء از «تشریح» می‌باشد؛ ثانیاً، این تعریف، جامع افراد و مانع اغیار نمی‌باشد؛ ثالثاً، شروطی که برای تشریح آورده است، براساس قواعد فقهی و بر مبنای شرعی نیست.

بنابراین اشکال عمده این تعریف از تشریح، از سوی مقدسی آن است که صرف صدور حکم و جعل قانون و قرارداد این قانون‌گذاری، راهی برای تعبد و اطاعت، در اصطلاح مشهور تشریح نیست؛ بلکه اولاً، قیودی مانند صدور حکم با قید «مخالفاً لحکم الشارع» باشد؛ ثانیاً، بدون دلیل معتبر شرعی باشد؛ ثالثاً، نسبت حکم به شرع با علم به اینکه از شرع نبوده باشد و قیود دیگری که از سوی فقهاء مطرح شده و از مؤلفه‌های مهم تعریف تشریح شمرده می‌شود.^۱

دلایل سلفیان جهادی و نقد آن

۱. قوله تعالی «أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءَ شَرَعُوا لَهُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ»^۲.

سید امام شریف نظریه پرداز سلفیه جهادی معتقد است: شخص و یا گروهی که برای مردم قانونی را وضع کنند، در واقع خود را شریک در ربوبیت خدا قرار داده‌اند و کسانی که از آنان اطاعت کنند و نسبت به آن قانون ابراز رضایت کرده و از آن پیروی نمایند، به خداوند شرک ورزیده و از دایره اسلام خارج شده‌اند.^۳

برخی دیگر از سلفیان جهادی قید «یضاد به حکم الله»^۴ و «یخالف دین الله»^۱ را

۱. «حتی برخی از علمای سلفی تکفیری جهادی نیز، به برخی از آن قیودات در تعریف تشریح اشاره دارند»؛ «مراجعه شود به کتاب های: لماذا كفرت الحكومات اثر ابوقتاده فلسطينی، ج ۱، ص ۸ و کتاب الرسائل الأثریه، اثر أبو عبد الرحمن الأثری ج ۱، ص ۱۰۶».

۲. سوره شوری، آیه ۲۱.

۳. شریف، سید امام، الجامع فی طلب العلم الشریف، ص ۸۱۵-۸۱۴.

۴. «ویقصد به من یُشرع وهذا القسم کافر باطلاق ولیس فیہ تفصیل ولو شرع حکماً واحداً یضاد به حکم الله حتی ولو کان

مطرح کرده‌اند. این قیود، این ابهام را به وجود می‌آورد که سلفیان جهادی، تشریحی را کفر می‌دانند که با حکم الهی مخالفت نماید، نه مطلق تشریح؛ بنابراین دیدگاه آنان با دیدگاه مذاهب اسلامی همسان است؛ در حالی که چنین تصویری نادرست است؛ زیرا آنان، کسانی که قانونی را وضع کنند، مطلقاً کافر می‌شمارند؛ همان‌گونه که در عبارت «ویقصد به من یُشرع وهذا القسم کافر بإطلاق ولیس فیه تفصیل...»^۲ به آن تصریح شده است؛ خواه یک حکم باشد یا بیشتر؛ همان‌گونه که از عبارت «ولو شرع حکماً واحداً» روشن است، و خواه اعتقاد بر استحلال حکم الهی داشته باشد یا نه؛ همان‌طور که عبارت «ولو کان یعتقد فی قرارة نفسه أن ما شرعه لا یجوز أن یحکم به أو أن حکم الله أفضل فلا عبرة باعتقاده»، بر آن تصریح می‌کند. این در حالی است که بر اساس مذاهب اسلامی، شخصی که قانونی را وضع می‌کند، مطلقاً کافر نیست؛ بلکه اگر عمل او از روی استحلال و عناد باشد و حکمش مخالف حکم خدا باشد، عنوان کفر بر آن اطلاق می‌شود.

بنابراین دیدگاه مذاهب اسلامی با دیدگاه سلفیان در موردی مشترک و در مواردی مخالفت می‌کند.

مورد اشتراک: هنگامی که عملی بر آن عنوان «مایضاد حکم به الله» یا «ما یخالف حکم الله» صدق نماید، خواه یکی باشد یا بیشتر، کفر است و مرتکب آن کافر شمرده می‌شود.

موارد اختلاف

بنابر دیدگاه مذاهب اسلامی، شخص با صرف وضع قانون، مرتکب حکم «مایضاد به

یعتقد فی قرارة نفسه أن ما شرعه لا یجوز أن یحکم به أو أن حکم الله أفضل فلا عبرة باعتقاده، فالکفر معیار بفعله وهو التشریح بغض النظر عن ما فی قلبه ویدل علیه قوله تعلقی: «أم لهم شرکاء شرعوا لهم من الدین ما لم یأذن به الله؟» قال تعالی «فلا تجعلوا لله أنداداً»؛ (خضیر، علی، الوجاهة فی شرح الاصول الثلاثة، ص ۸۰-۸۱).

۱. «المشرع (المقنن): المقنن الذي یصوغ قانوناً یخالف دین الله إنما هو یصوغ دیناً جدیداً، وبهذا یخرج من الإسلام بهذا العمل، بل یشارک الله فی ألوهیته عندما یصوغ دیناً وقانوناً دستوراً للناس بغير ما أنزل الله، «أم لهم شرکاء شرعوا لهم من الدین ما لم یأذن به الله»، «اتخذوا أحرارهم ورهبانهم أرباباً من دون الله والمسیح بن مریم»؛ (عزام، عبدالله، العقیدة وأثرها فی بناء الجبیل، ص ۶۲)؛ (اثری، أبو عبدالرحمن، الرسائل الأثریة، ص ۱۵۳).

۲. این بخش شامل کسانی می‌شود که مرتکب تشریح شوند (یعنی قانون وضع نمایند) و این قسم مطلقاً کافر است و هیچ تفصیلی در آن راه ندارد.



حکم الله» و «ما یخالف حکم الله» نمی‌شود؛ بلکه باید از روی عناد و استحلال انجام دهد؛ یعنی عمل را با اعتقاد به استحلال مرتکب شود؛ در غیر این صورت، فاسق خواهد بود؛ اما بنابر نظر سلفیان جهادی، اعتقاد مطرح نیست؛ بلکه تشریح مطلقاً کفر است، خواه اعتقاد به استحلال داشته باشد یا نه؛ لذا در نظر آنها، تشریح "بماهو تشریح"، کفر است؛ صرف نظر از اینکه شخص در قلب چه اعتقادی داشته باشد؛ همان‌گونه که در عبارت «فالكفر معیار بفعله وهو التشریح بغض النظر عن ما فی قلبه»، به آن تصریح شده است.

نقد استدلال

برای پاسخ به این استدلال سلفیان جهادی، باید برخی از مفردات موجود در آیه مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

طبری در تبیین مفردات آیه می‌نویسد: برای مشرکان به خداوند، شریکانی در شرک و گمراهی است که برای آنها در دین، بدعت‌هایی قرار دادند که خداوند به آنها دستور نداده است.^۱

الف: ضمیر «هم»: مراد از ضمیر «هم» همان مشرکان هستند.

ب: «شركاء»: آیه بر وجود شریکان دلالت دارد.

ج: «شرعوا لهم»: شرکاء، احکام غیر الهی را جعل می‌کردند.

د: «من الدین»: شرکاء، احکام وضع شده را به شرع نسبت می‌دادند.

ه: «ما لم یاذن به الله»: یعنی احکامی که وضع می‌شد، بدون اجاز شارع بوده است.

بعد از تبیین معنا و مصادیق مفردات مذکور در آیه، در پاسخ به استدلال سلفیان جهادی باید گفت:

در جواب مورد اول (الف)، سلفیان جهادی دچار خلط در تطبیق مشرکان بر مسلمانان شده‌اند؛ زیرا مشرکان بر شرک به خدا تاکید می‌کردند و برای خدا شریک قرار

۱. «قول تعالی ذکره: أم لهؤلاء المشركين بالله شركاء في شركهم وضلالتهم (شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ) يقول: ابتدعوا لهم من الدين ما لم يبيح الله لهم ابتداعه»؛ (طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۲۱، ص ۵۲۲).

داده بودند؛ در حالی که مسلمانان، بر توحید تاکید دارند و خداوند را یگانه می دانند. در جواب مورد دوم (ب)، مسلمانان قوانینی را از باب اینکه با کلیات اسلام مطابقت دارد، از آن تبعیت می کنند، و علاوه بر آن، هیچ کدام از قانون گذاران، خود را شریک خدا نمی دانند.

در جواب مورد سوم و چهارم فرض (ج و د)، مشرکان قوانین خود را حکم الهی معرفی می کردند؛ یعنی آن را منتسب به دین می کردند؛ در حالی که مسلمانان بسیاری از قوانین وضعیه را، حکم الهی نمی دانند و عدم تنافی آن با حکم الهی را کافی می دانند. در فرض پنجم (ه)، قوانین تصویب شده در برخی از بلاد، مورد بررسی علما دین قرار می گیرد و در صورت عدم تعارض پذیرفته می گردد.

بر اساس این موارد می توان گفت که اولاً: آیه بر کفار و کسانی که قوانین وضعی را از روی عناد و استحلال تصویب نمایند، قابل انطباق است؛ نه مطلق مسلمانان.^۱

ثانیاً: قوانین تصویب شده در بیشتر موارد، به علمای دین عرضه می شود تا با شریعت اسلام تطبیق داده شود و یا حداقل عدم تعارض آن با احکام اسلام ثابت گردد.

ثالثاً: علمای اسلام بر اساس اصول کلی اسلام می توانند، اجتهاد کرده و برای مسائل مستحدثه احکام و قوانینی استنباط کنند؛ لذا کلمه تشریح در حق مسلمانان نادرست استعمال شده است؛ زیرا آنان تشریح قانون غیر الهی ندارند؛ بلکه احکام مستنبطه را، در صورت تطابق با شرع و یا حداقل، عدم مخالفت آن احکام با شرع می پذیرند؛ بنابراین، وضع قانون توسط مجالس اسلامی در بسیاری از موارد، یک نوع استنباط حکم شرعی است و با اصول و قواعد کلی اسلام مطابقت دارد و راهی برای تعبد و اطاعت خداوند است؛ لذا عنوان تشریح حکم غیر الهی بر آن، قابل انطباق نیست، تا اینکه راهی برای تعبد و اطاعت غیر خدا قرار گیرد.

۲. قوله تعالی ﴿وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾^۲

سلفیان جهادی به این آیه نیز^۳ برای اثبات کفر مسلمانان تمسک می جویند.

۱. طبری، محمد، جامع البیان، ج ۲۱، ص ۵۲۲.

۲. سوره الکهف، آیه ۲۶.

۳. (شریف، سیدامام، الجامع فی طلب العلم الشریف، ص ۸۵۶)؛ (همان، ص ۹۱۱)؛ «أهل الحديث والأثر، التشریح حق

نحوه استدلال آنان به این آیه مانند استدلال در آیه قبل است؛ به این صورت که اگر کسی قانونی را برای مردم جعل کند، از آنجا که در جعل این قانون از سوی خدا ماذون نیست، خود را شریک خدا در تشریح احکام الهی قرار داده و دچار شرک ربوبی خواهد بود؛^۱ زیرا خداوند در قرآن کریم فرموده: هیچ کس در حکم و تشریح با وی شریک نیست و یگانه و یکتاست: ﴿وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾.^۲

نقد استدلال

مسلمانان معتقدند که حکم و قضاوت و تدبیر از آن خداست و خداوند شریک و همتایی ندارد؛ اما بحث در این است که مصادیقی که بیان شده، نمی‌توانند مصداق آیه مذکور باشد؛ یعنی نمی‌توان به صورت مطلق چنین حکمی داد؛ بلکه باید ملاحظه کرد، کسانی که قوانین را وضع می‌کنند، بر چه اساسی چنین عملی را انجام می‌دهند. قصد و هدف آنها چیست؟ قانون وضع شده برای قضیه مستحدثه است که مسبوق به حکم نبوده، یا وضع قانون به جهت عناد و به قصد استحلال، حکم الهی بوده است؟

بدون تردید تطبیق چنین آیه‌ای بر مسلمانان از سوی سلفیان جهادی، به خاطر سوء برداشت است؛ زیرا فرض مورد بحث، مسلمانان هستند که نه مشرکند و نه قصد شریک قراردادن برای خدا را در ذهن خود می‌پرورانند. اگر جایی حکمی (مسبوق یا غیر مسبوق) را وضع نمایند، به جهت بازگشت آن حکم به اصول کلی اسلام است. یا اگر در جایی قانون وضعی را امضاء می‌کنند، نه به جهت مخالفت با شرع و نه به جهت شریک قراردادن برای خداست؛ بلکه به خاطر تطابق این قانون با حکم اسلامی است؛ لذا راهی را برای تعبد و اطاعت خداوند فراهم می‌کند؛ البته گاهی اوقات، قانونی تصویب می‌شود که جهت امضای آن، عدم مخالفت با شریعت اسلام است که البته،

لله وحده ودخول المجالس التشريعية شرك أكبر، ص ۳.؛ المشرع (المقنن): المقنن الذي يصوغ قانونا يخالف دين الله إنما هو يصوغ ديناً جديداً، وبهذا يخرج من الإسلام بهذا العمل، بل يشارك الله في ألوهيته عندما يصوغ ديناً وقانوناً دستوراً للناس بغير ما أنزل الله، ﴿أم لهم شركاء شرعوا لهم من الدين ما لم يأذن به الله﴾؛ ﴿اتخذوا آحبارهم ورهبانهم آرباباً من دون الله والمسيح بن مريم﴾؛ (عزام، عبدالله، العقيدة وأثرها في بناء الجيل، ص ۶۲)؛ (اثری، أبو عبدالرحمن، الرسائل الأثرية، ص ۱۶۷).

۱. همان

۲. سوره كهف، آیه ۲۶.

تصویب چنین قانونی موجب کفر نیست؛ به خصوص وقتی به نفع مسلمانان باشد و رعایت آن برای مردم مسلمان مصلحت داشته باشد.^۱

بنابراین کبری قضیه مورد قبول مسلمانان است؛ اما صغری قضیه برای مسلمانان ثابت شده نیست و مصادیق ادعا شده از سوی سلفیان جهادی، بر قاعده مذکور قابل انطباق نیست؛ زیرا آیه، تنها شامل مواردی می‌شود که منجر به تبدیل حکم الهی و یا به استحلال آن بینجامد.^۲

۳. قوله تعالی ﴿وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمُ شُرَكَاءَهُمْ﴾^۳

سومین آیه‌ای که مورد استناد سلفیان جهادی در تکفیر قانون‌گذاران و کسانی که از قوانین پیروی می‌کنند قرار گرفته، همین آیه است.

سلفیان معتقدند این آیه، همانند دو آیه قبل (سوره کهف و شوری) بر کفر کسانی که حکم غیر الهی (قوانین وضعی) را جعل می‌کنند، دلالت می‌کند.^۴

نحوه استدلال

در این آیه کلمه (شُرَكَاءَهُمْ) وجود دارد؛ خداوند در این آیه بر کسانی که قانون غیر الهی را جعل می‌کنند، عنوان شریک اطلاق کرده است. هر کس نیز که برای خدا شریک قرار دهد، مشرک و کافر است.

نقد استدلال

در پاسخ به استدلال سلفیان جهادی باید گفت: استدلال سلفیان جهادی، هیچ‌گونه ارتباطی به موضوع بحث ندارد و نسبت به آن بیگانه است؛ زیرا همه مسلمانان معتقدند که هر کس حکم الهی را استحلال کند (یعنی حرام الهی را حلال و یا حلال الهی را حرام بداند)، با این وضع، راهی برای تعبد و اطاعت غیر خداوند فراهم کرده و چنین شخصی کافر شمرده می‌شود.

۱. عتیبی، بندر بن نایف، الحکم بغير ما أنزل الله مناقشة تاصيلية علمية هادنة، ص ۶۲.

۲. همان.

۳. سوره انعام، آیه ۱۳۷.

۴. «شريف، سيد امام، الجامع في طلب العلم الشريف، ص ۸۵۷»؛ «الجماعة السلفية للدعوة والقتال، الحکم بغير

ما أنزل الله، ص ۲۲».



در آیه مذکور، مشرکان به تبعیت از شرکای خود، قتل اولاد و زنده به گور کردن دختران که حرام بود را حلال می‌دانستند و این همان استحلال حکم الهی است. بنابراین، آیه ربطی به عموم مسلمانان ندارد؛ بلکه شامل کسانی می‌شود که با اعتقاد، به تحلیل و یا تحریم حکم الهی دست بزنند و بدون تردید، چنین افرادی کافر و از دایره اسلام خارج هستند.

۴. قوله تعالی ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ﴾^۱

این آیه نیز مورد استناد سلفیان جهادی برای اثبات کفر قانون‌گذاران واقع شده است. آنان برای اثبات مدعای خود به سخن ابن‌کثیر تمسک می‌جویند. ابن‌کثیر در تفسیر آیه مذکور می‌نویسد: عمر بن‌لحی بن قمعه، یکی از رؤسای قبیله خزاعه، اولین کسی بود که دین حضرت ابراهیم عليه السلام را تغییر داد. وی بت‌ها را به منطقه حجاز وارد کرد و مردم را به عبادت آنها و تقرب به وسیله آنها فراخواند. وی قوانین جاهلیت را برای مردم جعل کرد؛ همان‌گونه که خداوند، در آیه ۱۰۳ سوره مائده به آن اشاره کرده است.^۲

برخی از سران سلفیان جهادی، بعد از نقل کلام ابن‌کثیر در نحوه استدلال به آیه چنین می‌نویسند: آنچه از نص عبارت ابن‌کثیر می‌توان استفاده کرد این است، کسی که برای مردم قوانین باطلی وضع نماید، چنین شخصی کافر و دروغ‌گو است و بر خداوند دروغ می‌بندد.^۳

نقد استدلال

کلیت ادعا شده از سوی سلفیان جهادی در حق مسلمانان، نادرست است و مسلمانان معاصر، نه در صدد تغییر دین حضرت ابراهیم عليه السلام هستند و نه به دنبال پرستش بت‌ها و نه به دنبال جعل قوانین غیر الهی می‌باشند؛ البته ممکن است در برخی شرایط، به خاطر مصالح مسلمانان، حکمی را تصویب کنند که این حکم، گاهی با قواعد کلی اسلام هماهنگ است و گاهی از مباحات است و تعارضی با اسلام ندارد. چنین اعمالی هیچ تشابهی با اعمال عمر بن‌لحی ندارد؛ لذا مصادیقی که سلفیان جهادی ادعا می‌کنند،

۱. سوره مائده، آیه ۱۰۳.

۲. شریف، سید امام، الجامع فی طلب العلم الشریف، ص ۸۵۷.

۳. همان.

ربطی به عمل عموم مسلمانان ندارد و شامل افراد خاصی می‌شود که چنین اعمالی را از روی عناد و استحلال انجام می‌دهند.

۵. قوله تعالی **﴿إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ﴾**^۱

سلفیان جهادی برای اثبات کفر قانون‌گذاران به این آیه استناد می‌کنند.^۲

آنان معتقدند که «نسیء»، یک نوع تشریح و مخالفت با شریعت الهی است و خداوند، جنگ در این ماه‌ها را حرام کرده است و در جاهلیت، هنگامی که جنگ و قتال را اراده می‌کردند، آن ماه حرام را حلال کرده و به جای آن، ماه دیگری را حرام می‌کردند، تا تعداد ماه‌های حرام درست شود. خداوند در این آیه، این تغییر در ماه‌ها را مخالف شریعت خود دانسته است و تعبیر «نسیء»، یعنی "زیاده" در کفر به کار برده است. این زیاده در کفر نیز، کفر است و به همین جهت، کسی که قانونی خلاف شرع خداوند وضع نماید، کافر شمرده می‌شود.^۳

نقد استدلال

مسلمانان نیز، تغییر حکم الهی را جایز نمی‌دانند و بر این عقیده‌اند که اگر این تغییر، از روی عناد یا استحلال باشد، شخص از دایره اسلام خارج خواهد شد. در این آیه نیز، از آنجا که حکم الهی توسط مشرکان حلال شمرده شده، عنوان کفر بر آن اطلاق شده است.

اما این طور نیست که وضع قانون به طور مطلق، مستلزم تغییر حکم الهی باشد؛ زیرا قوانینی که در مجالس کشورهای اسلامی تصویب می‌شوند، مختلف هستند. برخی از قوانین، عین حکم شرعی هستند. برخی دیگر از قوانین، به اصلی از اصول کلی اسلام برمی‌گردد. برخی از قوانین از احکام مستحدثه است و با اسلام تعارض ندارد. بدون تردید، موارد فوق در ضمن تغییر حکم الهی داخل نیستند؛ بنابراین کسانی که چنین قوانینی را تصویب می‌کنند، آیه مذکور بر آنها منطبق نمی‌شود.

البته در مجالس کشورهای اسلامی ممکن است، قانونی به قصد مخالفت با حکم

۱. سوره توبه، آیه ۳۷.

۲. الجماعة السلفية للدعوة والقتال، الحكم بغير ما أنزل الله، ص ۲۲.

۳. شریف، سید امام، الجامع فی طلب العلم الشریف، ص ۸۵۸-۸۵۷.

الهی یا به جهت تغییر حکم الهی تصویب گردد. بدون تردید، چنین قانونی کفر است و مرتکب آن، کافر خواهد بود.

۶. قوله تعالى ﴿اتَّخَذُوا أَوْلِيَاءَهُمْ وَرَهْبَانَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾^۱

آیه دیگری که سلفیان جهادی برای اثبات کفر قانون گذاران به آن استناد می کنند، همین آیه است. سلفیان جهادی در تبیین آیه فوق بر مدعیان می گویند: تشریح من دون الله یعنی کسی که حلال خدا را حرام بداند یا حرام آن را حلال بداند؛ یا اینکه قانونی بدون اذن خدا وضع نماید. وقتی چنین عملی انجام دهد، خود را رب مردم دانسته است و چنین عملی کفر و شرک شمرده می شود.^۲

سلفیان برای تأیید ادعای خود مبنی بر اینکه به صرف تبعیت از احبار و رهبان، شرک ربوبی محقق می شود، به تفسیر ابن کثیر از آیه مذکور استناد می کنند. وی در تفسیر این آیه می نویسد:

حذیفه بن یمان و ابن عباس و برخی دیگر از مفسرین، در تفسیر آیه مذکور گفته اند که آنان، در تحلیل و تحریم حکم الهی از احبار و رهبان پیروی کردند و این همان، اتخاذ ارباب من دون الله است؛ یعنی به صرف تبعیت از آنها، متصف به اتخاذ ارباب شده اند.^۳

نقد استدلال

در آیه مذکور، تنها موردی که در آن استحلال حکم الهی صورت گرفته، بیان شده است و این مسئله مورد اتفاق تمام مسلمانان است.

اما در بخش سوم از کلام سلفیان (یا قانونی بدون اذن خدا وضع نماید)، باید گفت که چنین برداشتی، به نحو کلی صحیح نیست؛ زیرا همان گونه که بیان شد، شخص به صرف وضع قانون، آن هم قانونی که با اصول کلی اسلام هم خوانی دارد و یا لا اقل با

۱. سوره توبه، آیه ۳۱.

۲. «وموضع الدلالة من هذه الآية والحديث الوارد في تفسيرها في المناط الذي نتحدث عنه وهو (التشريع من دون الله): أن مَنْ فعل هذا فأحلّ الحرام وحرّم الحلال وشرع ما لم يأذن به الله فقد جعل نفسه ربّاً للناس من دون الله وكفى به كضراً مبيئاً»؛ (شريف، سيدامام، الجامع في طلب العلم الشريف، ص ۸۵۸)؛ (اثری، أبو عبد الرحمن، الرسائل الأثرية، ص ۴۰)؛ (عزام، عبدالله، العقيدة وأثرها في بناء الجيل، ص ۶۲)؛ (الجماعة السلفية للدعوة والقتال، الحكم بغير ما أنزل الله، ص ۲۲).

۳. شريف، سيدامام، الجامع في طلب العلم الشريف، ص ۸۵۸.

اسلام تعارضی ندارد، کافر و از دین خارج نمی‌شود؛ در واقع حکم افراد خاص را نمی‌توان به عموم مسلمانان سرایت داد.

۷. قوله تعالی ﴿أَلَا تَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾^۱

یکی دیگر از آیاتی که سلفیان جهادی برای اثبات کفر قانون‌گذاران به آن استناد می‌کنند،^۲ این آیه است. آنان کسانی که از قانون‌گذاران پیروی نمایند را، عبادت‌کنندگان غیر خدا و شریک قراردهندگان برای خدا می‌شمارند.

سلفیان برای تأیید برداشت خویش، به سخن قرطبی و سیدقطب در ذیل آیه مذکور تمسک جسته‌اند.

قرطبی در تفسیر آیه فوق می‌نویسد:

این آیه نظیر آیه ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ﴾ است و معنای آیه این است که پیروان، مشرعیان خود را نازل منزله‌ی پروردگار خود، در قبول تحریم و تحلیل حکم الهی قرار دادند.^۳

سیدقطب نیز در تفسیر آیه فوق می‌نویسد:

این جهان با تمام وجودش پابرجا و استوار نخواهد بود؛ مگر اینکه تنها یک خدایی داشته باشد که امور آن را تدبیر نماید: ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ و روشن‌ترین ویژگی الوهیت خدا نسبت به بشریت، تعبد بندگان و وضع قانون بر حیات آنها و اقامه نمودن ترازوی عدالت است؛ لذا اگر کسی برای خود این چنین نشانه بارز الوهیت را ادعا کند، بارزترین نشانه‌های الوهیت را ادعا کرده و خود را برای مردم، "اله" معرفی نموده است و چنین عملی موجب فساد خواهد بود؛ همان‌گونه که با تعدد "اله" فساد به وجود خواهد آمد؛ هنگامی که عده‌ای از مردم، خود را متعبد عده دیگری کنند و هنگامی که بنده‌ای از بندگان ادعا کند، حقی بر گردن مردم دارد که از او (به نحوه استقلال) اطاعت کنند و حق تشریح قانون و اقامه موازین عدالت (به طور مستقل) برای خود، نسبت به آنها قائل شود؛ چنین ادعایی ادعای

۱. سوره آل‌عمران، آیه ۶۴.

۲. «اثری، أبو عبد الرحمن، الرسائل الأثرية، ص ۱۶۷»؛ «عزام، عبدالله، العقيدة وأثرها في بناء الجبل، ص ۶۲».

۳. «... قال القرطبي رحمه الله في تفسيرها [قوله تعالی ﴿وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ﴾] أي تتبعه في تحليل شيء أو تحريمه إلا فيما حلله الله تعالی، وهو نظير قوله تعالی ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ﴾ معناه أنهم أنزلوهم منزلة ربهم في قبول تحريمهم وتحليلهم لما لم يحرمه الله ولم يحله الله. فالآية نص في أن من شرع للناس من دون الله فقد جعل نفسه رباً لهم»؛ (شريف، سيدامام، الجامع في طلب العلم الشريف، ص ۸۵۸).



الوهیت است، اگرچه به زبان نیاورد و او نیز مانند فرعون که ادعا کرد و گفت: من پروردگار بزرگ شما هستم، خواهد بود.^۱

نقد استدلال

این آیه نیز همانند آیات گذشته، موردی را در برمی‌گیرد که شخص، حکم الهی را از روی عناد و یا از روی استحلال تغییر دهد. شخص پیرو نیز، به چنین استحلالی راضی و از آن تبعیت نماید که بدون تردید، تمام مسلمانان اتفاق نظر دارند که چنین شخصی با ارتکاب آن کافر خواهد شد.

اما در مسئله مورد بحث، چنین حالتی وجود ندارد و عموم مسلمانان، خواه وضع‌کنندگان قانون و خواه پیروی‌کنندگان از قانون، هیچ‌کدام چنین قصدی ندارند؛ بلکه آنان با این اعتقاد که شخص وضع‌کننده، بنده خدا بوده و با وضع قانون، به دنبال پیروی از حکم الهی است، از آن تبعیت می‌کنند؛ در واقع حکم افراد خاص را نمی‌شود به عموم مسلمانان نسبت داد.

۸. قوله تعالى ﴿إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾^۲

این نیز یکی دیگر از آیاتی است که سلفیان جهادی برای اثبات کفر قانون‌گذاران، به آن استناد می‌کنند.^۳

سلفیان جهادی معتقدند که این آیه، نص صریح است و بیان می‌کند که حکم از عبادات است و بایستی آن را تنها از آن خدا بدانیم تا توحید الوهیت محقق شود؛ لذا

۱. «وانقل ما قال الاستاذ سيد قطب رحمه الله في هذه الآية باختصار، قال رحمه الله [إن هذا الكون بجملته لا يستقيم أمره ولا يصلح حاله، إلا أن يكون هناك إله واحد، يدبر أمره: ﴿وَلَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ وأظهر خصائص الألوهية بالقياس إلى البشرية: تعبد العبيد، والتشريع لهم في حياتهم، وإقامة الموازين لهم فمن ادعى لنفسه شيئا من هذا فقد ادعى لنفسه أظهر خصائص الألوهية، وأقام نفسه للناس إلهاً من دون الله، وما يقع الفساد في الأرض كما يقع عندما تتعدد الآلهة في الأرض على هذا النحو، عندما يتعبد الناس للناس، عندما يدعي عبد من العبيد أن له على الناس حق الطاعة لذاته، وأن له فيهم حق التشريع لذاته، وأن له كذلك حق إقامة القيم والموازين لذاته، فهذا هو ادعاء الألوهية ولولم يقل كما قال فرعون ﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾ والإقرار به هو الشرك بالله أو الكفر به.. وهو الفساد في الأرض أوجب الفساد...»؛ (شريف، سيدامام، الجامع في طلب العلم الشريف، ص ۸۵۹-۸۵۸).

۲. سوره يوسف، آیه ۴۰.

۳. «شريف، سيدامام، الجامع في طلب العلم الشريف، ص ۸۱۸»؛ «ثري، أبو عبد الرحمن، الرسائل الأثرية، ص ۴۰»؛ «عزام، عبدالله، العقيدة وأثرها في بناء الجيل، ص ۶۲»؛ «الجماعة السلفية للدعوة والقتال، الحكم بغير ما أنزل الله، ص ۶».

شریک قراردادن برای خدا در حکم، شرک در عبادت خواهد بود.^۱

نقد استدلال

خداوند در آیاتی، حکمیت را به غیر خود واگذار کرده است؛ لذا اگر حکم از شوون اختصاصی خداوند باشد، مستلزم این خواهد بود که خداوند دستور به شرک الوهی یا ربوبی داده است و صدور چنین دستوری از سوی خدا محال است.

بنابراین برخلاف دیدگاه سلفیان جهادی، از آنجایی که خداوند دستور به شرک نمی‌دهد، می‌تواند گفت که حکم از شوون اختصاصی (البته بر طبق تفسیر سلفیان جهادی) خداوند نیست؛ بلکه غیر خداوند نیز در شرایطی و با اذن او می‌توانند حکم یا احکامی را صادر کنند.

در ادامه برای اثبات مدعا به آیه اشاره می‌شود.

الف: ﴿فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا﴾^۲

ابن کثیر ذیل این آیه، روایتی را از ابن عباس نقل می‌کند که ایشان در تفسیر این آیه گفته است:

خداوند دستور داده است که فرد صالحی از خانواده شوهر و فرد صالحی از خانواده همسر، انتخاب شوند؛ سپس این دو، حکم مسئله مورد اختلاف زوجین را بررسی کنند؛ سپس ببینید که کدام یک از زوجین خطا کرده است؛ اگر مرد خطا کرده است، همسرش را از او دور نگه می‌دارند و شوهر موظف به پرداخت نفقه خواهد شد؛ و در صورتی که زن خطا کرده باشد، او را از شوهر دور نگه می‌دارند و نفقه را از او منع می‌کنند. اگر نظر دو حکم بر این شد که زوجین از هم جدا شوند، یا دوباره به زندگی برگردند، حکم آنها بلا مانع و جایز خواهد بود.^۳

در اینجا دو داور بعد از بررسی، حکمی خواهند داد که خداوند در جعل آن حکم، دخالتی نداشته است. اگر وضع حکم تنها به خدا اختصاص داشته باشد و جعل حکم

۱. «فهؤلاء الأرباب المتفرقون منهم المشرعون للخلق من دون الله كرؤساء الدول وأعضاء البرلمانات الديمقراطية وغيرهم من واضعي القوانين، وتأمل قوله (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ) بما يُفیده من حصر الحكم والتشريع في الله وحده، بعد قوله (أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ) لتدرك أن هؤلاء الأرباب يدخل فيهم دخولا أولياً أولئك الذين ينازعون الله حق التشريع»؛ (شريف، سيدامام، الجامع في طلب العلم الشريف، ص ۸۵۹).

۲. سوره نساء، آیه ۳۵

۳. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظيم، ج ۲، ص ۲۹۶.



توسط غیر خدا شرک باشد، عمل این دو داور شرک شمرده می‌شود و شارعی که این دو را حکم قرار داده و دو خانواده زوجین که از این حکم تبعیت می‌کنند، مشرک شده و از دین خارج می‌شوند؛ در حالی که چنین چیزی با آیه مذکور در تعارض است؛ بنابراین حصر حکم در آیه، حصر حقیقی نیست؛ بلکه حصر اضافی خواهد بود.

ب: ﴿يُحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ﴾^۱

از این آیه نیز به خوبی روشن می‌شود، دو شخص عادل حق حکم دارند و نه تنها این کار منافعی توحید نیست، بلکه وجوب تبعیت را نیز به دنبال دارد.

طبری در تفسیر این آیه، در اثبات مشروعیت حکم دو شخص عادل می‌نویسد:
 دو فرد عادل، حکم به جزایی می‌کنند که این جزاء، مثل جزای مقتول در صید چهارپایان است. منظور از دو عادل، دو فقیه عالم و فاضل است. این دو نفر نگاه می‌کنند که شبیه‌ترین و نزدیک‌ترین حیوان به این صید کدام است؛ آن را برای آن شخص (کسی که صید کرده است)، تعیین می‌کنند؛ همان‌گونه که آیه، چنین بیان کرده است.^۲

با این بیان، استدلال سلفیان جهادی نقض می‌شود؛ زیرا آنها معتقد بودند که حکم اختصاصی خدا، عبادت است و کسی که چنین کاری را ادعا کند، در محدوده اختصاصی خدا وارد شده و خود را شریک خدا قرار داده است؛ کما اینکه کسی که از آن شخص تبعیت کرده است نیز، مشرک شمرده می‌شود؛ این در حالی است که از این دو آیه ثابت گردید، افراد و اشخاصی وجود دارند که بر اساس شرایطی می‌توانند حکم را صادر نمایند و با صدور حکم، نه تنها به شرک متهم نشده‌اند، بلکه خداوند دیگران را به پیروی کردن از آنها ملزم کرده است؛ بنابراین ادعای سلفیان جهادی در تعارض با آیات قرآن است.

نتیجه

با توجه به مطالبی که ذکر شد، روشن گردید که ادعای سلفیان جهادی، مبنی بر اینکه مطلق وضع قانون (که از آن به تشریح حکم غیر الهی یاد می‌کنند)، شرک و کفر است،

۱. سوره مانده، آیه ۹۵.

۲. طبری، محمد، جامع البیان، ج ۱۰، ص ۲۲.

صحيح نيست و چنين برداشتي اشتباه است؛ زيرا انشاء قانون وضعي، به تنهائي تشریح حکم غير الهی نيست؛ بلکه در وضع قانون، گاهی حکم الهی تصویب می شود و گاهی قانون تصویب شده، برگرفته از اصلی از اصول کلی اسلام است؛ همچنين، گاهی قانون وضع شده، از قوانين و احکام است و با اسلام تنافی ندارد؛ در چنين مواردی نمی توان، عنوان شرک و کفر بر وضع کننده آن اطلاق نمود؛ زيرا نه تحليل حکم الهی است و نه تحريم حکم الهی است و نه با حکم شرعی مخالفت می کنند؛ بلکه اگر قانونی به جهت تحليل يا تحريم حکم الهی و از روی عناد و مخالفت با شرع تصویب گردد، بر وضع کننده آن، عنوان مشرک و کافر اطلاق خواهد شد و چنين شخصی از دایره اسلام خارج خواهد بود؛ بنابراین کلیت کلام سلفیان جهادی، مبنی بر اینکه به صرف وضع قانون، تشریح صدق می کند درست نيست و آیات هشت گانه‌ی مورد ادعای سلفیان جهادی، بر مشرکان، کفار و کسانی قابل انطباق است که قوانين وضعی را از روی استکبار و عناد وضع می کنند که اين سرکشی، سر از تغيير و تبديل حکم الهی و يا تحليل و تحريم آن، در خواهد آورد.

بنابراین تمام مسلمانان در این اصل (که تشریح حکم غير الهی اگرچه یک حکم باشد، کفر است)، اتفاق نظر دارند. الا اینکه کلیت ادعا شده از سوی سلفیان جهادی مبنی بر اینکه وضع قانون به نحو اطلاق، تشریح حکم غير الهی شمرده شود و در نتیجه، وضع کنندگان قوانين مشرک، کافر و از دایره اسلام خارج خواهند شد، مورد پذیرش مسلمانان قرار نگرفته است و آن را ناشی از فهم نادرست از شریعت می دانند.



منايع قرآن كريم

١. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بيروت: دار الإحياء التراث العربي، ١٤٠٨ق.
٢. أبو منصور، محمد بن أحمد، تهذيب اللغة، محقق: محمد عوض مرعب، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ٢٠٠١م.
٣. زبيدي، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت: دار الهداية، ١٣٤٤ق.
٤. جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقيق: أحمد عبدالغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.
٥. ابوحبيب، سعدى، القاموس الفقهى لغته واصطلاحاً، دمشق: دار الفكر، ١٤١٩ق.
٦. شريف، سيد امام، الجامع فى طلب العلم الشريف، نرم افزار، حقيبة المجاهد.
٧. امدى، أبو الحسن، الإحكام فى أصول الأحكام، محقق: عبدالرزاق عفيفي، بيروت: المكتب الإسلامى، لبنان، بى تا.
٨. سورى، أبو مصعب، الثورة الإسلامية الجهادية فى سوريا الجزء الثانى الفكر والمنهج، نرم افزار حقيبة المجاهد: موالات ابو مصعب السورى.
٩. مقدسى، أبو محمد، تحفة الموحدين فى بعض أصول الدين، سايت منبر التوحيد والجهاد، ١٤٣٠ق.
١٠. طرطوسى، ابو بصير، الطاغوت، نرم افزار حقيبة المجاهد.
١١. أهل الحديث والأثر، التشريع حق لله وحده و دخول المجالس التشريعية شرك أكبر، نرم افزار حقيبة المجاهد.
١٢. أهل الحديث والأثر، مجموع فتاوى، نرم افزار تاليفات سلفيه جهادى معروف به «حقيبة المجاهد».
١٣. الجماعة السلفية للدعوة والقتال، الحكم بغير ما أنزل الله، نرم افزار حقيبة المجاهد.
١٤. اثرى، أبو عبدالرحمن، الرسائل الأثرية، نرم افزار حقيبة المجاهد.
١٥. عزام، عبدالله، العقيدة وأثرها فى بناء الجيل، نرم افزار حقيبة المجاهد.
١٦. ابن رجب، عبدالرحمن بن أحمد، جامع العلوم والحكم، صيد الفوائد، نرم افزار مكتبة الشاملة.
١٧. نراقى، أحمد بن محمد مهدى، عوائد الأيام فى بيان قواعد الأحكام، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى قم، ١٤١٧ق.
١٨. عتيبى، بندر بن نايف، الحكم بغير ما أنزل الله مناقشة تاصيلية علمية هادئة، مكتبة الفهد الوطنية، چاپ دوم، ١٤٢٧ق.

١٩. حسب الله، على، أصول التشريع الإسلامي، قاهره: دار المعارف بمصر، چاپ پنجم، ١٩٧٦م.
٢٠. طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان في تأويل القرآن، تحقيق: أحمد محمد شاكر، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٢١. ابن كثير دمشقى، اسماعيل، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: محمد حسين شمس الدين، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٢٢. قرنى، محمد، التشريع الوضعى فى ضوء العقيدة الإسلامية، عربستان: رسالة ماجستير، عام ١٤٣٢ق.
٢٣. خضير، على بن خضير، الوجيه فى شرح الأصول الثلاثة، نرم افزار مكتبة حقيية المجاهد، مولفات علي بن خضير.



